

سبک‌های دل‌بستگی بزرگسالان به عنوان پیش‌بینی‌کننده سبک‌های حل تعارض زناشویی در بین دبیران متأهل شهر بندر عباس

روح الله کریمی بلداجی^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه هرمزگان

ماجده ثابت زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه هرمزگان

سید رضا فلاح چای

استادیار گروه مشاوره و روانشناسی، دانشگاه هرمزگان

اقبال زارعی

دانشیار گروه مشاوره و روانشناسی، دانشگاه هرمزگان

پذیرش: ۹۲/۱/۹

دریافت: ۹۱/۸/۲۳

چکیده

هدف: این پژوهش به منظور بررسی رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی بزرگسالان و سبک‌های حل تعارض زناشویی انجام گرفت.

روش: در این مطالعه روش تحقیق مورد استفاده توصیفی از نوع همبستگی بوده و نمونه آماری این پژوهش شامل ۲۸۵ دبیر مرد و زن متأهل بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و به پرسشنامه تجدیدنظر شده تجارب در روابط نزدیک (ECR-R) و پرسشنامه سبک‌های حل تعارض زناشویی (ROCI-II) جواب دادند. از روش آماری توصیفی و رگرسیون گام به گام جهت پاسخگویی به سؤالات تحقیق و تعیین سهم هر کدام از آنها در پیش‌بینی بکارگیری سبک‌های مختلف حل تعارض استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج حاصل نشان داد که سبک دلبستگی ایمن بیشترین فراوانی و سبک دلبستگی دل مشغول کمترین فراوانی را در آزمودنی‌های مورد مطالعه داشتند و همچنین از بین سبک‌های حل تعارض زناشویی مصالحه و یکپارچه‌سازی بیشترین استفاده را در میان دبیران داشتند. همچنین نتایج بیانگر وجود رابطه معنادار ($P < /0.001$) بین سبک‌های دلبستگی و سبک‌های حل تعارض زناشویی بود و سبک‌های دلبستگی این افراد پیش بینی کننده سبک های حل تعارض زناشویی بودند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج پژوهش حاضر به نظر می‌رسد سبک های دلبستگی بزرگسالان تاثیر زیادی در نحوه ی بکارگیری سبک‌های حل تعارض دارند. لذا با تشخیص سبک‌های دلبستگی افراد متأهل می‌توان به آن‌ها در حل تعارضات زناشویی کمک فراوان نمود. نتایج این پژوهش را می‌توان در جلسات آموزشی پیش از ازدواج به منظور آگاه ساختن زوجین از عواقب ازدواج افراد با سبک‌های دلبستگی مخاطره آمیز و رابطه آنها با سبک‌های حل تعارض منفی در زندگی زناشویی استفاده کرد و همچنین به مشاورین و کارشناسان امر ازدواج و شاغلین دادگاه‌های خانواده کمک کرد تا ویژگی سبک‌های دلبستگی و سبک‌های حل تعارض را در اختلافات و مشکلات زناشویی چه در کار تشخیص و چه در کار درمان به عنوان یک ملاک مهم در نظر بگیرند.

واژگان کلیدی: سبک‌های دلبستگی بزرگسالان، سبک‌های حل تعارض زناشویی، دبیران متأهل.

مقدمه

برخی افراد در روابط نزدیک خود، از نزدیکی و وابستگی احساس راحتی و آرامش می‌کنند در حالی که برخی دیگر وقتی همسرشان به دنبال صمیمیت است، عصبی می‌شوند. هم چنین برخی افراد احساس می‌کنند که همسرشان در مواقع لزوم از آنها حمایت و مراقبت می‌کند در حالی که برخی دیگر از ترک شدن می‌ترسند. امروزه نظریه دلبستگی یکی از مؤثرترین نظریه‌ها در مطالعه روابط بین فردی است. براساس این نظریه، تفاوت‌های فردی در سبک‌های دلبستگی ناشی از تجارب افراد در روابط نزدیک قبلی است و با روابط دلبستگی بین کودک و مراقبان اولیه شروع می‌شود (میکالینسر و شیور^۱، ۲۰۰۳).

دلبستگی پیوند عاطفی هیجانی نسبتاً پایداری است که بین کودک و مادر و یا افرادی که کودک در تعامل منظم و دائم با آنهاست، ایجاد می‌شود (پاپالیا^۲، ۲۰۰۲). ارکان و مفاهیم نظریه دلبستگی ریشه در نظریه روابط شی دارد که خود از نظریه روانکاوی نشأت گرفته است. نظریه روابط شی، چگونگی تأثیرگذاری الگوهای دلبستگی اولیه را بر کودکان زمانی که رشد می‌کنند و شخصیتشان شکل می‌گیرد مورد بررسی قرار می‌دهد.

آنتورث و همکارانش (۱۹۷۹)، سه سبک مختلف دلبستگی را شناسایی کردند که عمدتاً امنیت و راحتی افراد را فراهم می‌کنند. آنها کودکان را در سه گروه طبقه بندی کردند: ۱- ایمن^۳؛ ۲- اجتنابی^۴؛ ۳- اضطرابی-دوسوگرا^۵. در ادامه برخی دیگر از محققان نیز این سبک‌ها را در بزرگسالان شناسایی کردند (آنتورث، ۱۹۸۵؛ بارثولوميو و هاروویتز، ۱۹۹۱؛ فینی و نولر^۶، ۱۹۹۶؛ هازان و شاور، ۱۹۸۷). این سبک‌ها (پاسخ‌های دلبستگی درونی شده ی دوران کودکی) در روابط نزدیک در بزرگسالی فعال می‌شوند و ظرفیت لازم برای ارتباط اثربخش،

1. Mikulincer & Shaver
2. Papalia
3. Secure
4. Avoidant
5. Anxious/ambivalent
6. Feeny & Noller

صمیمیت، امنیت و آرامش را فراهم می‌سازند (اکانل-کوکران و مالینکرودت^۱، ۲۰۰۰؛ کريتندن^۲، ۱۹۹۲؛ کوباک و هازان^۳، ۱۹۹۱).

بارثولوميو و هاروویتز (۱۹۹۱)، مدل چهار گروهی از دلبستگی بزرگسالان (ایمن، دل مشغول، ترسان، نفی‌کننده) را پیشنهاد کردند. براساس این مدل، افراد ایمن دارای دیدگاه مثبت نسبت به خود و دیگران می‌باشند و احساس راحتی در روابط اولیه شان با مراقبان داشتند. افراد با سبک دلبستگی نفی‌کننده^۴ (بی تفاوت) دیدگاه مثبتی نسبت به خودشان دارند اما دیدگاه آن‌ها نسبت به دیگران منفی است بنابراین این افراد نسبت به صمیمیت حالت تدافعی دارند. بزرگسالان دل مشغول^۵، دیدگاه منفی نسبت به خودشان دارند اما دیدگاه مثبت نسبت به دیگران دارند بنابراین خود را افرادی غیردوست داشتنی درک می‌کنند و معمولاً، افرادی که به همسران خود وابسته می‌شوند می‌توانند در گروه بزرگسالان دل مشغول قرار بگیرند. تیب ترسان^۶، دارای دیدگاه منفی نسبت به خود و دیگران می‌باشند و از صمیمیت و طرد شدن در روابطشان ترس و تردید دارند (اگوز-دوران و کاریرماک، ۲۰۰۸). تحقیقات وسیع گذشته آشکار ساختند که سبک‌های دلبستگی در روابط نزدیک بیشتر از الگوهای رفتاری دیگر به کار گرفته شده‌اند از جمله این تحقیقات: ثبات روابط (کیرپاتریک و داویس^۷، ۱۹۹۴؛ مدیریت تعارض (کریزی^۸، ۲۰۰۲، کریزی و همکاران، ۱۹۹۹، پیستول^۹، ۱۹۸۹؛ روابط موثر (کولین و رید^{۱۰}، ۱۹۹۵، میکالینسر و ناچسن^{۱۱}، ۱۹۹۱)؛ واکنش‌های شجاعانه وی منت و

1. O'Connell- Corcoran & Mallinkrodt
2. Crittenden
3. Kobak & Hazan
4. Dismissing attachment style
5. Preoccupied adult
6. Fearful type
7. Kirkpatrick & Davis
8. Creasey
9. Pistole
10. Collin & Read
11. Mikulincer & Nachson

ورتالر^۱، (۲۰۰۲)، حسادت و خودسرزندی (رادیکی-بوش و همکاران^۲، ۱۹۹۳)؛ ابراز صمیمیت و دوستی (بارتولوميو و هاروویتز، ۱۹۹۱؛ میکالینسر و اریو^۳، ۱۹۹۱) می‌باشند.

تعارض نیز که جزء اجتناب‌ناپذیر تعاملات بشری محسوب می‌شود بیشتر در پژوهش‌های مرتبط با روابط نزدیک مورد بررسی قرار گرفته است. زمانی که تعارض روی می‌دهد روابط ضعیف‌تر یا قوی‌تر می‌شوند بنابراین تعارض، نقطه‌ای بحرانی در مسیر برقراری روابط می‌باشد. اگر تعارض به صورت مفید مورد استفاده قرار بگیرد می‌تواند عاملی پربار در جهت درک عمیق‌تر روابط و روابط متقابل و نزدیک‌تر بخش شود. بنابراین سالم یا ناسالم بودن یک رابطه به مقدار تعارض بین افراد درگیر، زیاد وابسته نیست بلکه به چگونگی توزیع و نحوه حل تعارض بستگی دارد بنابراین این نکته را باید در حل تعارضات زناشویی مدنظر قرار داد (کاریرماک و آگوز دوران، ۲۰۰۸).

تعارض به عنوان فرایند تعاملی است که با ناسازگاری و عدم توافق شناخته می‌شود و یا به صورت نابهنجاری همراه نهادها یا بین نهادهای مختلف اجتماعی تعریف می‌شود (رحیم و همکاران^۴، ۲۰۰۰). تعارض در زندگی زناشویی نیز امری اجتناب‌ناپذیر است. درمان‌گران سیستمی، تعارض زناشویی را تنازع بر سر تصاحب پایگاه و منافع قدرت و حذف امتیازات دیگری می‌دانند. کنش و واکنش دو فرد که قادر نیستند منظور خود را تفهیم نمایند، تعارض نامیده می‌شود (قلیلی، ۱۳۸۴). تلاش در جهت حل تعارض در بین زوجین، ظاهراً شامل گفتگوها و بحث‌های شدید بین همسران و همکاری فوق‌العاده زن و شوهر در جهت کسب مجدد رضایت زناشویی می‌باشد. هر یک از همسران تعهدات شان را با انجام چنین اموری به هنگام تعارض ابراز می‌دارند: افشای احساسات و موقعیت، مصالحه و گفتگو در جهت کسب توافق مشترک، یکپارچه‌سازی عقاید و ابراز غم و همدلی به هنگام حل تعارض. این قبیل

1. Weyment & Vierthaler
2. Radecki-Bush & et al.
3. Mikulincer & Erav
4. Deutsch

کارها باعث بهتر شدن درک زوجین از یکدیگر می‌شود و زوجین را در جهت بهبودی و عمیقتر شدن روابط و ابراز احساسات توانمند می‌سازند (روبرتر، ۲۰۰۰).

ابعاد دوگانه تعارض (با محوریت رقابت و مشارکت) که موجب روی دادن رفتار تعارض آمیز می‌شود در مطالعات بلک و موتون (۱۹۹۴)؛ داتزچ، (۱۹۹۸)؛ رحیم (۱۹۸۳)؛ توماس (۱۹۷۶)، مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله رابرت بلک و موتون (۱۹۶۴)، روابط کارکنان را در سازمان‌ها مورد بررسی قرار دادند و مدل دو بعدی برای توصیف سبک‌های مختلف حل تعارض در موقعیت‌های بین فردی ارائه دادند. آن‌ها بیان کردند که افراد هنگام تعارض مقدار مشخصی از هر دو بعد اهمیت دادن به خود و اهمیت دادن به دیگران را نشان می‌دهند. آن‌ها اهمیت دادن به خود را به صورت مقدار حمایت شخصی و مقدار استقامتی که فرد در جهت رسیدن به علایقش از خود بروز می‌دهد تعریف کردند و همچنین اهمیت دادن به دیگران را توانایی فرد در رسیدگی به دیگران و نیازهای آنها و منطبق شدن با آنها می‌دانند (بن‌اری و هیرشبرگ، ۲۰۰۹). بعضی از نظریه پردازان معتقدند که اهمیت دادن به خود و دیگران دو بعد مجزایی هستند که می‌توان آنها را با هم ترکیب نمود و سبک‌های پنج‌گانه، مسلط، الزام شده، اجتنابی، مصالحه‌گر و یکپارچه‌سازی را برای حل تعارض خلق کرد (رحیم، ۱۹۸۳؛ رحیم و بوناما، ۱۹۷۹).

سبک یکپارچگی^۱: مستلزم اهمیت دادن زیاد به خود و دیگران است. این سبک مستلزم تشریک مساعی بین دو طرف است، مثل گشودگی، مبادله اطلاعات، بررسی تفاوت‌ها و یافتن راه‌حل قابل قبول برای هر دو طرف می‌باشد. (گودوین^۲، ۲۰۰۰).

سبک ملزم شده (متعهد شده)^۳: مستلزم اهمیت دادن پایین به خود و اهمیت بالا به دیگران است، در این افراد اضطراب به نحو متفاوتی فرا خوانده می‌شود. آن‌ها در جستجوی دستیابی به راه‌حلی هستند که هماهنگ و سازگار با دیگران باشند این افراد به شدت منفی و غیر عادی

1. Integrating style
2. Goodwin
3. Obligating style

هستند و این برای آن‌ها بسیار مهم است که دیگران آن‌ها را فرد خوبی در نظر بگیرند و بدون این که به احساسات آن‌ها خدشه‌ای وارد کنند به اهدافشان دست پیدا کنند (بن‌اری و هیرشبرگ، ۲۰۰۹).

سبک مسلط^۱: به وسیله اهمیت دادن بالا به خود و اهمیت دادن پایین به دیگران مشخص می‌شود. این سبک به عنوان یک سبک رقابتی شناخته شده است. در این سبک رفتار افراد تحمیل کننده است. در این سبک فرد تلاش می‌کند به اهدافش دست یابد، بدون این که برای دیگران اهمیتی قائل شود (گودوین، ۲۰۰۰).

سبک اجتنابی^۲: با اهمیت دادن پایین به خود و دیگران مشخص می‌شود. معمولاً با کناره‌گیری توأم است، در این سبک مسؤلیت را به شخص دیگر واگذار می‌شود، این افراد امیدی ندارند که از حل تعارض سودی کسب کنند بنابراین کناره‌گیری از تعارض را ترجیح می‌دهند. منفعل بودن، دوری کردن، ترس از رویارویی با تعارض، کم‌اهمیت جلوه دادن تعارض و به تأخیر انداختن حل تعارض در این افراد مشاهده می‌شود (بن‌اری و هیرشبرگ، ۲۰۰۹).

سبک مصالحه^۳: در میان سایر سبک‌ها، سبک حل تعارض مصالحه از یک موضع میانه برخوردار است. این سبک براساس یک استراتژی داد و ستد و براساس یک تصمیم‌گیری دوجانبه قابل قبول اتخاذ می‌شود و هنگامی که دو نفر از امتیازات مساوی برخوردار باشند از این سبک بهره می‌برند (گودوین، ۲۰۰۰، بن‌اری و هیرشبرگ، ۲۰۰۹).

کوکران و مالینکروود (۲۰۰۰)، طرحی مطابق جدول ۱. در ارتباط با شباهتی که بین مدل‌های کار مثبت و منفی از خود و دیگران در الگوی چهار گروهی سبک‌های دلبستگی بزرگسالان و سبک‌های حل تعارض رحیم (۱۹۸۳)، که بر اساس دو بعد اهمیت دادن به خود

1. Dominating style
2. Avoiding style
3. Compromising style

و دیگران بنا شده، ارائه دادند. براساس این طرح هر یک از چهار سبک دلبستگی با سبک منحصر به فردی از شیوه‌های حل تعارض در ارتباط می‌باشد.

جدول ۱. تطابق بین سبک های دلبستگی و سبک‌های حل تعارض (کور کوران و مالینکروودت، ۲۰۰۰)

تشابه سبک های دلبستگی بزرگسالان با سبک های حل تعارض		
اهمیت دادن به دیگران	اهمیت دادن به خود	
پایین منفی	بالا مثبت (مدل فعال دیگران=اجتناب دلبستگی)	(مدل فعال خود=اضطراب دلبستگی)
مسلط شده	یکپارچه سازی	بالا
طرد کننده	ایمن	مثبت
	مصالحه کننده	
ایمن	الزام شده	پایین
ترسان	دل مشغول	منفی

چنین به نظر می‌رسد که تعاملات متعارض در روابط نزدیک، به ویژه تعارضات زناشویی سبک های دلبستگی را در افراد فعال می‌کند (کوباک و داملر، ۱۹۹۴). شمار زیادی از پژوهش‌های گذشته با بکارگیری متدولوژی مختلف نشان می‌دهند که ارکان و مفاهیم نظریه دلبستگی در زمینه روشن سازی فرایندهای تعارض به کار گرفته شده‌اند و دلبستگی بر

سبک‌های مختلف حل تعارض در روابط نزدیک تاثیر می‌گذارد (کاریرماک و دوران، ۲۰۰۸؛ بن-اری و هیرشبرگ، ۲۰۰۹؛ شی، ۲۰۰۳؛ کوکران و مالینکروودت، ۲۰۰۰؛ کریزی و هسن-مکینز، ۲۰۰۱؛ اسچارف و بارثولوميو، ۱۹۹۵، لوی و داویس، ۱۹۸۹؛ پیستول، ۱۹۸۹؛ سیمون و همکاران، ۱۹۹۶).

در تحقیق سیمون و همکاران (۱۹۹۶)، افراد با سبک اضطرابی-دوسوگرا (یا دل‌مشغول، در طبقه بندی دیگر) اضطراب و استرس زیادی به هنگام تعارض از خود نشان می‌دادند. این افراد، همسران خود را از نظر عشق، تعهد، ارتباط متقابل، باز بودن و حامی بودن کمتر به صورت مثبت درک می‌کنند و تمایل داشتند بر تعارض مسلط باشند و فشار بیشتری بر همسران خود وارد کنند. در پژوهشی دیگری مشخص شد که همسران دارای سبک دلبستگی ایمن به احتمال بیشتر از سبک‌های حل تعارض مصالحه و یکپارچه سازی استفاده می‌کنند اما همسران با دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا به همسران خود استرس زیادی وارد می‌کنند و از سبک مسلط در حل تعارضات استفاده می‌کنند و همچنین همسران با سبک دلبستگی اجتنابی (ترسان یا نافی در طبقه بندی‌های دیگر) کمتر از سبک‌های حل تعارض مصالحه کننده و یک پارچه سازی استفاده می‌کنند (کوکران و مالینکروودت، ۲۰۰۰؛ لوی و داویس، ۱۹۸۹). مک کارل پیستول (۱۹۸۹)، نتایج مشابهی را در افراد بزرگسال به دست آورد. در مقایسه با افراد اجتنابی و اضطرابی، افراد ایمن تمایل داشتند به هنگام تعارض با همسرشان از سبک‌هایی استفاده کنند که بر تقابل و همکاری دوجانبه استوار باشند و بیشتر از سبک‌های یکپارچه سازی و مصالحه استفاده می‌کردند. شواهد دیگر (پیستول و اریکل، ۲۰۰۳) بیانگر این امر است که افراد ترسان به هنگام تعارض، نزاع و درگیری بیشتری از خود بروز می‌دادند و به هنگام گفتگو و بحث احساس ترس بیشتری داشتند و در گفتگوها نسبت به افراد ایمن تأثیرگذاری کمتری داشتند. شی (۲۰۰۳)، در تحقیق خود رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سبک‌های حل تعارض را در بین روابط رمانتیک همسران مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه دست یافت که افراد ایمن به هنگام تعارضات بیشتر فعال هستند و تلاش می‌کنند تعارضات زناشویی خود را با بکارگیری

سبک‌های مصالحه و یکپارچه‌سازی حل‌کننده اما افرادی که در گروه دل‌بستگی نایمن (ترسان و نفی‌کننده) قرار گرفتند از این سبک‌ها کمتر برای حل تعارض استفاده می‌کردند. بن‌اری و هیرشبرگ (۲۰۰۹) دریافتند که بطور کلی افرادی که نمرات بالایی در دل‌بستگی ایمن کسب کردند نگرش مثبت‌تری به تعارضات نشان دادند و بیشتر از سبک‌های یکپارچه‌سازی (مشارکتی) در مواجهه با تعارضات استفاده می‌کردند و آنهایی که نمرات کمتری کسب کردند به نظر می‌رسید که کمتر از سبک الزام‌شده و بیشتر از سبک مسلط شده در مواجهه با تعارضات استفاده می‌کردند و نوجوانان با سبک دل‌بستگی اجتنابی در این مطالعه ادراک تعارض منفی و سبک حل تعارض مسلط نشان دادند. در مطالعه کاریرماک و اگوز-دوران (۲۰۰۸)، با عنوان تعیین تفاوت‌های جنسی در سبک‌های دل‌بستگی و ارتباط آن‌ها با سبک‌های حل تعارض در بین جوانان ترک نتایجی مشابه نتایج بالا به دست آمد به این صورت که افرادی که سبک دل‌بستگی نایمن ترسان و نفی‌کننده داشتند گرایش به اجتناب از تعارض در روابط نزدیک داشتند و این افراد کمتر متمایل بودند در درگیری‌ها، نگرانی‌ها و ناکامی در کشف راه حل‌ها هنگام تعارض از سبک حل تعارض مصالحه استفاده کنند و همچنین نتایج نشان داد که سبک حل تعارض یکپارچه‌سازی که در برگیرنده اهمیت بالا نسبت به خود و دیگران می‌باشد با سبک دل‌بستگی ایمن رابطه مثبت معناداری داشت.

با توجه به مطالب ذکر، می‌توان بیان کرد که تحقیقات خارجی زیادی سبک‌های دل‌بستگی را در روابط نزدیک مورد بررسی قرار داده‌اند که به نوبه‌ی خود اهمیت انجام این تحقیق را می‌رسانند. این مطالعات نشان دادند که افراد با گرایش دل‌بستگی نایمن در حل تعارضاتشان مشکلات زیادی داشتند. با این وجود، تعداد کمی از آن‌ها رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و سبک‌های حل تعارض را مورد آزمایش قرار دادند و براساس جستجوی محقق مشخص شده که تحقیقی که رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی بزرگسالان و سبک‌های حل تعارض زناشویی را در جامعه ایران بسنجد انجام نشده است بنابراین پرداختن به این موضوع اهمیت فراوانی دارد.

لذا سؤالی که مطالعه حاضر در پی پاسخگویی به آن می باشد پیش بینی و تعیین رابطه سبک های دل‌بستگی بزرگسالان با سبک های حل تعارض زناشویی می باشد.

روش

این تحقیق از نوع همبستگی است. جامعه آماری^۱ این پژوهش، کلیه دبیران متأهل مقاطع تحصیلی راهنمایی، متوسطه و پیش دانشگاهی را شامل می شود که در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ در شهر بندرعباس مشغول به تدریس بودند.

نمونه پژوهش در این تحقیق، تعداد ۲۸۵ نفر از دبیران متأهل شهر بندرعباس بودند که به شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای به شرح زیر انتخاب شدند: ابتدا آموزش و پرورش شهر بندرعباس را به دو ناحیه تقسیم کردیم. سپس کلیه مدارس راهنمایی (دولتی، غیرانتفاعی، شاهد، تیزهوشان و...) و مدارس مقاطع دبیرستان و پیش دانشگاهی (دولتی، غیرانتفاعی، شاهد و...) در شهر بندرعباس شناسایی شدند و به طور تصادفی از هر ناحیه پانزده مدرسه انتخاب شد و بالاخره از میان مدارس انتخاب شده، دبیران متأهل زن و مردی که دو سال از ازدواج آن ها گذشته بود در این تحقیق شرکت داده شدند. برای جلوگیری از افت نمونه تحقیق در مجموع از ۳۰۰ نفر از دبیران خواسته شد که به پرسشنامه های این پژوهش پاسخ دهند. که در نهایت به علت عدم عودت تعدادی از پرسشنامه ها تعداد ۲۸۵ نفر مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند.

پرسشنامه تجدیدنظر شده تجارب در روابط نزدیک (ECR-R)^۲ در این تحقیق از پرسشنامه تجدیدنظر شده تجارب در روابط نزدیک (ECR-R) فریلی و همکاران^۳ (۲۰۰۰)، استفاده شد. فریلی و همکاران (۲۰۰۰)، ویژگی های چند مقیاس دل‌بستگی را با یکدیگر مقایسه کردند و دریافتند که ECR از ویژگی های روانسنجی بهتری برخوردار است. فریلی و همکاران

-
1. Statistical Social
 2. Experiences in Relationship-Revised
 3. Fraley, R & et al

(۲۰۰۰)، و سیبلی، فیشر، و لیو^۱ (۲۰۰۵)، در بررسی ساختار عاملی این پرسشنامه به دو عامل اضطراب و اجتناب دست یافتند که با مبنای نظری مطابق بود. هم چنین این دو عامل با یکدیگر رابطه معناداری نشان داده‌اند (سیبلی و همکاران، ۲۰۰۵؛ سیبلی و اورال^۲، ۲۰۰۸). فرچایلد و فینی (۲۰۰۶)، نشان دادند که هر یک از مقیاس‌های اضطراب و اجتناب از همسانی درونی بالایی برخوردارند به طوری که ضریب آلفا برای مقیاس اضطراب ۰/۹۲، و برای مقیاس اجتناب ۰/۹۳ بوده است. سیبلی و اورال (۲۰۰۸)، ضریب آلفای کرونباخ را برای مقیاس اضطراب و اجتناب به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۹۲ گزارش کردند. بطلانی (۱۳۸۷)، همسانی درونی را برای مقیاس اضطراب ۰/۹۲ و برای مقیاس اجتناب ۰/۹۱ گزارش کرده است. در پژوهش نیلفروشان و همکاران (۱۳۸۹)، همسانی درونی برای ابعاد اضطراب و اجتناب دلبستگی به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۸۹ به دست آمده است. بررسی‌های شکرکن و همکارانش برای تعیین ضریب روایی نیز نشان می‌دهد بین خرده مقیاس اضطراب این آزمون و بخش اضطرابی آزمون شیور و هازان ۴۰ تا ۶۰ صدم و بین مقیاس اجتنابی این آزمون با بخش اجتنابی آزمون شیور و هازان ۲۸ تا ۴۳ صدم همبستگی وجود دارد (شکرکن و همکاران، ۱۳۸۵). همسانی درونی این پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ در بعد اضطراب ۰/۹۰، در بعد اجتناب ۰/۹۳ و پایایی کل آزمون با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد.

پرسشنامه سبک‌های حل تعارض (ROCI-II) نسخه B: پرسشنامه ROCI-II توسط رحیم (۱۹۸۳) برای اندازه‌گیری سبک‌های حل تعارض ساخته شد. پرسشنامه سبک‌های حل تعارض ROCI-II مکانیزمی برای اندازه‌گیری پتج شیوه‌ای است که افراد به تعارض پاسخ می‌دهند. رحیم و بوناما (۱۹۷۹) به صورت گسترده از این پرسشنامه استفاده کردند و آن‌ها این ابزار را در همه حوزه‌های پژوهش در علوم اجتماعی معتبر دانستند (هن اینگ، ۲۰۰۳). این پرسشنامه دارای ۳ نسخه است که در این پژوهش، از نسخه B، ۲۸ ماده‌ای استفاده شد. این ابزار برای

1. Sibley, C. G. & Fischer, R. & Liu, J. H.
2. Sibley, C. G. & Overall, N. C.

بررسی تعارض در سازمان‌های مالی طراحی شده، در حالی که مطالعات نشان داد که این ابزار را می‌توان در سایر زمینه‌های حل تعارض بین فردی مثل خانواده، دوستان و همشهری‌ها به کار گرفت (هنگک لیم، ۲۰۰۰؛ حقیقی، ۱۳۹۱). ماده‌های این مقیاس به شکل لیکرت ۵ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. نمره هر زیر مقیاسی که بیشتر باشد نشان دهنده این است فرد از آن سبک برای حل تعارض خود استفاده می‌کند (باباپور، ۱۳۸۴). حقیقی (۱۳۹۱) اقدام به بررسی ساختار عاملی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه سبک‌های حل تعارض رحیم در بین زوجین ایرانی نمودند. در این تحقیق پایایی پرسشنامه ROCI-II با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه در دامنه ۰/۷۰ تا ۰/۷۵ به دست آمد. هم‌چنین پایایی ابزار با استفاده از روش در این تحقیق با استفاده از روش تصنیف ۰/۶۸ به دست آمد و همبستگی مثبت و منفی بین خرده‌مقیاس‌های این ابزار با پرسشنامه CRQ، نشان دهنده روایی همگرا و واگرای مطلوب پرسشنامه ROCI-II بود. در تحقیق حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰ برای این پرسشنامه به دست آمد.

یافته‌ها

این مطالعه، بر روی ۲۸۵ نفر از دبیران متأهل با دامنه سنی ۲۳-۵۶ سال و میانگین سنی ۳۶/۷۴ سال - که بیش از نیمی از آزمودنی‌ها (۵۰/۹ درصد) مرد بودند - انجام شد. ۵۲/۶ درصد از حجم نمونه در مقطع اهنمایی و ۴۷/۴ درصد در مقطع متوسطه در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۹۱ مشغول به تدریس بودند.

جدول ۲. جدول توافقی فراوانی و درصد سبک های دلبستگی بزرگسالان به تفکیک جنسیت شرکت کنندگان

جنس	سبک های دلبستگی بزرگسالان			
	ایمن	دل مشغول	ترسان	نفی کننده
دبیران متأهل	۵۱	۲۰	۳۴	۳۵
مرد	۳۶.۴۲	۱۴.۲۸	۲۴.۲۸	۲۵.
دبیران متأهل	۴۹	۳۰	۳۹	۲۷
زن	۳۳.۷۹	۲۰.۶۸	۲۶.۸۹	۱۸.۶۲
کل	۱۰۰	۵۰	۷۳	۶۲
	۳۵.۰۸	۱۷.۵۴	۲۴.۶۱	۲۱.۷۵

همان طور که در جدول ۲. ملاحظه می شود از نظر نوع سبک های دلبستگی بزرگسالان، در گروه دبیران متأهل مرد بیشترین درصد را دبیران با سبک های دلبستگی ایمن و نفی کننده تشکیل دادند که به ترتیب ۳۶/۴۲ درصد و ۲۵٪. از حجم نمونه مردان را به خود اختصاص داده اند. در گروه دبیران زن متأهل، دبیران با سبک های دلبستگی ایمن و ترسان بیشترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده اند که به ترتیب ۳۳/۷۹ درصد و ۲۶/۸۹ درصد از حجم نمونه زنان را تشکیل می دهند.

جدول ۳. یافته‌های توصیفی مربوط به سبک‌های حل تعارض زناشویی بین دبیران متأهل مرد و زن در پژوهش حاضر

سبک‌های حل تعارض زناشویی	جنس	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین
سبک یکپارچه سازی	مرد	۱۴۰	۲۶/۶۲	۶/۵۹	۰/۵۵
	زن	۱۴۵	۲۹/۳۷	۴/۱۹	۰/۳۴
سبک ملزم شده	مرد	۱۴۰	۲۰/۳۶	۵/۲۳	۰/۴۴
	زن	۱۴۵	۲۲/۰۴	۴/۳۱	۰/۳۵
سبک اجتنابی	مرد	۱۴۰	۲۱/۴۸	۴/۷۰	۰/۳۹
	زن	۱۴۵	۲۲/۰۱	۴/۳۱	۰/۳۵
سبک مصالحه	مرد	۱۴۰	۱۴/۵۹	۳/۵۴	۰/۲۹
	زن	۱۴۵	۱۵/۷۵	۲/۸۰	۰/۲۳
سبک مسلط	مرد	۱۴۰	۱۳/۳۱	۴/۲۸	۰/۳۶
	زن	۱۴۵	۱۳/۰۶	۳/۶۸	۰/۳۰

مشاهدات جدول توصیفی ۳. نشان دهنده وجود تفاوت میان دو گروه از دبیران متأهل مرد و زن در تمامی سبک‌های حل تعارض زناشویی می‌باشد. براساس نتایج به دست آمده در جدول ۲ مشخص می‌شود که میانگین دبیران زن متأهل در سبک حل تعارض یکپارچه سازی، ملزم شده و مصالحه بالاتر از دبیران مرد متأهل می‌باشد.

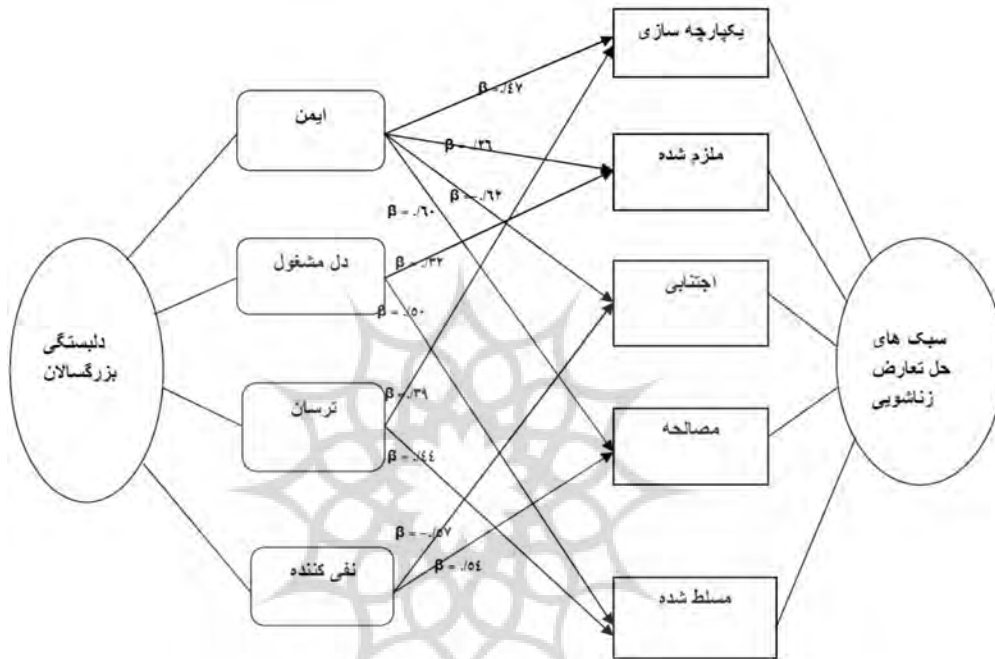
جدول ۴. خلاصه نتایج آزمون های t مستقل برای مقایسه میانگین نمرات دبیران متأهل مرد و زن در سبک های حل تعارض زناشویی

سبک های حل تعارض زناشویی	فاصله اطمینان ۹۵ درصدی		سطح معناداری	درجه آزادی	آزمون t	آزمون لوین برای برابری واریانس ها	
	حد بالا	حد پایین				سطح مشخصه	معناداری آزمون F
یکپارچه سازی	-۱/۴۶	-۴/۰۳	.۰۰۱	۲۸۳	-۴/۲۱	.۰۶۱	۲۵/۷۷
ملزم شده	-/۵۶	-۲/۸۰	.۰۰۳	۲۸۳	-۲/۹۶	.۰۹۸	۲/۷۵
اجتنابی	.۵۲	-۱/۵۸	.۳۲	۲۸۳	-/۹۸	.۶۲۱	.۲۴
سبک مصالحه	-/۴۱	-۱/۹۰	.۰۰۲	۲۸۳	-۳/۰۶	.۰۹۴	۶/۱۲
سبک مسلط	۱/۱۸	-/۶۷	.۵۹	۲۸۳	.۵۳	.۱۴۳	۲/۱۵

ارقام جدول ۴، نشان می دهد که واریانس توزیع نمرات آزمون لوین در گروه دبیران متأهل زن و مرد در تمامی سبک های حل تعارض زناشویی با یکدیگر برابر است. زیرا سطح معناداری تمام سبک ها در آزمون لوین بیش تر از ۰/۰۵ می باشد. هم چنین نتایج به دست آمده در جدول فوق، حاکی از آن است تفاوت میانگین ها در سبک حل تعارض یکپارچه سازی، ملزم شده در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنادار می باشد. نتایج حاصل، گویای این موضوع است که دبیران متأهل زن این سه سبک حل تعارض را بیشتر از دبیران متأهل مرد به کار می گیرند.

برای ارزیابی رابطه و سهم سبک های دلبستگی بزرگسالان در پیش بینی نمرات سبک های حل تعارض زناشویی، از تحلیل رگرسیون استاندارد به روش گام به گام استفاده شد که در آن سبک های دلبستگی بزرگسالان، به عنوان متغیر پیش بین و نمرات سبک های حل تعارض

یکپارچه سازی، ملزم شده، اجتناب، مصالحه و مسلط شده (به تفکیک) به عنوان متغیر ملاک وارد معادله گشتند (نمودار شماره ۱).



نمودار ۱. مدل مفهومی پیش‌بینی رگرسیونی سبک‌های دل‌بستگی با سبک‌های حل تعارض زناشویی

نتایج تحلیل رگرسیون بین متغیرهای ملاک سبک‌های یکپارچه سازی، ملزم شده، اجتنابی، مصالحه و مسلط شده در جدول ۵ و نمودار شماره یک ارائه شده است. بر اساس این نتایج در هر پنج مدل، ضرایب F مشاهده شده معنادار است ($P < ۰/۰۰۱$). ضرایب رگرسیون متغیر پیش‌بین نشان می‌دهد که در مدل اول سبک دل‌بستگی ایمن و ترسان ۰/۲۵ درصد از واریانس سبک حل تعارض یکپارچه سازی را تبیین می‌کند، در مدل دوم سبک‌های دل‌بستگی

دل مشغول و ایمن روی هم ۰/۱۲ درصد از سبک حل تعارض ملزم شده را تبیین می نمایند، در مدل سوم سبک‌های دل‌بستگی ایمن و نفی کننده در مجموع ۰/۴۰ درصد از واریانس سبک حل تعارض اجتنابی را تبیین نمودند، در مدل چهارم سبک‌های دل‌بستگی ایمن و نفی کننده ۰/۳۸ درصد از سبک حل تعارض مصالحه را تبیین نمودند و همچنین در مدل پنجم سبک‌های دل‌بستگی دل مشغول و ترسان ۰/۳۰ درصد از واریانس سبک حل تعارض مسلط شده را تبیین نمودند. در مدل‌های ذکر شده بقیه متغیرها نقش معنی داری در تبیین سبک‌های حل تعارض زناشویی نداشتند و از معادله رگرسیون حذف شده اند.

جدول ۵. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون به روش گام به گام برای متغیرهای ملاک (سبک‌های حل تعارض زناشویی) و متغیر پیش بین (سبک‌های دل‌بستگی)

مدل	سبک‌های حل تعارض زناشویی	متغیر پیش بین	همبستگی چند متغیری R^2	ضریب تعیین	ضرایب رگرسیونی		
					نسبت F	مقدار B	گام اول گام دوم
۱	سبک یکپارچه سازی	دل‌بستگی ایمن	.۴۷	.۲۲	*۸۱/۷۸	۸/۷۱	$\beta = .۴۷$ $t = *۹/۰۴$
		دل‌بستگی ترسان	.۵۰	.۲۵	*۴۸/۵۶	۷/۳۴	$\beta = .۳۹$ $t = *۷/۱۷$
۲	سبک ملزم شده	دل مشغول	.۳۲	.۱۰	*۳۳/۲۷	۶/۰۰	$\beta = .۳۲$ $t = *۵/۷۶$
		دل‌بستگی ایمن	.۳۶	.۱۲	*۲۱/۸۴	۴/۸۷	$\beta = .۲۶$ $t = *۴/۴۶$
	سبک اجتنابی	دل‌بستگی ایمن	.۶۲	.۳۹	*۱۸۵/۳۳	-۸/۹۷	$\beta = -.۶۲$ $t = *۱۳/۶۱$

۳						
	$t=$					
دلبستگی	$\beta = .12$	$\beta = -.057$	$-.8/22$	$*.96/98$	$.40$	$.63$
نفی کننده	$*.2/37$	$*.11/32$	$1/87$			
	$t=$	$t=$				
دلبستگی	$\beta = .60$	$6/65$	$*166/05$	$.36$	$.60$	
سبک مصالحه	$12/88$					۴
ایمن	$t=*$					
دلبستگی	$\beta = -.15$	$\beta = .54$	$5/92$	$*.89/62$	$.38$	$.62$
نفی کننده	β	$t=*.10/47$	$-1/81$			
	$-2/94$					
	$t=*$					
دلبستگی	$\beta = .50$	$.50$	$*.94/68$	$.24$	$.50$	
دل مشغول	$t=*.9/73$					۵
سبک مسلط شده						
دلبستگی	$\beta = -.24$	$\beta = .44$	$.44$	$*.62/52$	$.30$	$.55$
ترسان	β	$t=*.8/65$	$-.24$			
	$-4/79$					
	$t=*$					

* $< .001$

همان طور که در جدول ۵. و نمودار مدل مفهومی ۱. ملاحظه می شود، پنج مدل رگرسیون گام به گام بین سبک های دل‌بستگی و سبک های حل تعارض زناشویی اجرا شد و مشخص شد که سبک دل‌بستگی ایمن به تنهایی پیش‌بینی کننده سبک های حل تعارض زناشویی یکپارچه سازی ($t = 8/34, \beta = 0/44$)، ملزم شده ($t = -3/07, \beta = -0/18$)، اجتنابی ($t = -13/61$)، ($\beta = -0/62$) و مصالحه ($t = 12/88, \beta = 0/60$) می باشد. سبک دل‌بستگی دل مشغول نیز دو سبک از سبک‌های حل تعارض زناشویی ملزم شده ($t = 5/76, \beta = 0/32$) و مسلط شده ($t = 9/73, \beta = 0/44$) را پیش‌بینی کرد در حالی که سبک دل‌بستگی ترسان سبک حل تعارض

زناشویی مسلط شده ($t = -4/79$, $\beta = -.24$) و سبک حل تعارض یکپارچه سازی ($t = -3/48$, $\beta = -0/19$) را پیش بینی کرد و همچنین سبک دلبستگی نفی کننده، دو سبک حل تعارض زناشویی اجتنابی ($t = 2/37$, $\beta = 0/12$) و مصالحه ($t = -2/94$, $\beta = -0/15$) را پیش بینی می کند کلیه این مقادیر در سطح $P < 0/001$ معنادار می باشد.

با توجه به مثبت بودن ضریب رگرسیون سبک های حل تعارض زناشویی یکپارچه سازی ($B = 6/57$) و مصالحه ($B = 6/65$) و منفی بودن سبک های حل تعارض زناشویی ملزم شده ($B = -2/66$) و اجتنابی ($B = -8/97$) می توان بیان کرد که سبک دلبستگی ایمن به طور مثبت پیش بینی کننده سبک های حل تعارض یکپارچه سازی و مصالحه و به طور منفی پیش بینی کننده ی سبک حل تعارض اجتنابی و ملزم شده می باشد و سبک دلبستگی دل مشغول نیز به طور مثبت پیش بینی کننده سبک های ملزم شده ($B = 6/00$) و مسلط شده ($B = 0/50$) می باشد و سبک دلبستگی ترسان به طور منفی سبک حل تعارض مسلط شده ($B = 0/44$) و یکپارچه سازی ($B = -4/14$) را پیش بینی کرد و همچنین سبک دلبستگی نفی کننده به طور مثبت سبک حل تعارض اجتنابی ($B = 1/87$) و به طور منفی سبک مصالحه ($B = -1/81$) را پیش بینی کرد.

نتیجه گیری

یافته های تحقیق حاضر نشان داد دبیران متأهل شهر بندرعباس بیشترین فراوانی را در سبک دلبستگی ایمن (۳۵.۰۸ درصد حجم نمونه) و سبک دلبستگی دل مشغول (۱۷/۵۴ درصد حجم نمونه) کمترین فراوانی را در نمونه حاضر به خود اختصاص دادند (جدول ۲). نسبت های نامساوی سبک های دلبستگی در بین افراد جامعه در مطالعات مرتبط با دلبستگی کاملاً عادی و طبیعی می باشد (بارتولومئو و هاروویتز ۱۹۹۱، بیوس و رولین، ۲۰۰۳). از بین سبک های حل تعارض زناشویی نیز سبک های حل تعارض یکپارچه سازی و مصالحه بیشترین کاربرد را در بین این دبیران به خود اختصاص دادند.

با توجه به این که هدف اصلی این تحقیق پیش‌بینی به کارگیری سبک‌های حل تعارض زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و تعیین رابطه بین سبک‌های دلبستگی بزرگسالان و سبک‌های حل تعارض زناشویی بود، ابتدا به تعیین وجود رابطه بین متغیرها پرداخته شد و در ادامه بکار بستن سبک‌های حل تعارض زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس رابطه بین متغیرهای پژوهش مشخص گردید که از میان چهار سبک دلبستگی بزرگسالان، سبک دلبستگی ایمن پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای سبک‌های حل تعارض یکپارچه‌سازی، مصالحه، ملزم شده و اجتنابی می‌باشد. سبک دلبستگی ایمن با سبک‌های حل تعارض یکپارچه‌سازی و مصالحه رابطه مثبت و با سبک‌های حل تعارض ملزم شده و اجتنابی رابطه منفی داشت. این یافته با نتایج تحقیقات کاریرماک و دوران، ۲۰۰۸؛ بن‌اری و هیرشبرگ، ۲۰۰۹؛ شی، ۲۰۰۳؛ بیپوس و رولین، ۲۰۰۳؛ کوکران و مالینکرودت، ۲۰۰۰؛ کریزی و هسن-مکینز، ۲۰۰۱؛ اسچارف و بارثولوميو، ۱۹۹۵، لوی و داویس، ۱۹۸۹؛ پیستول، ۱۹۸۸؛ سیمون و همکاران، ۱۹۹۶ همسو و همخوان است چرا که در کلیه این تحقیقات رابطه مثبت معنی‌دار بین سبک دلبستگی ایمن و سبک‌های حل تعارض یکپارچه‌سازی و مصالحه به دست آمد و افراد ایمن احتمال بسیار کمی داشت که از سبک‌های حل تعارض اجتنابی و ملزم شده برای حل تعارضاتشان استفاده کنند. برای تبیین این موضوع می‌توان از مفاهیم مدل کار درونی (مدل فعال ساز) در نظریه دلبستگی استفاده کرد. بن‌اری و هیرشبرگ (۲۰۰۹)، در تحقیقات خود دریافتند که با در نظر گرفتن مفاهیم مدل کار خود و دیگران در نظریه بالبی می‌توان پایه‌هایی از سبک‌های مختلف برای حل تعارضات بین فردی به دست آورد. از آنجا که سبک‌های حل تعارض یکپارچه‌سازی نیازمند همکاری و مشارکت متقابل می‌باشد و در برگیرنده‌ی اهمیت زیاد برای خود و دیگران می‌شود به طور مثبت با سبک دلبستگی ایمن و افرادی که دارای اعتماد بنفس بالایی هستند، رابطه دارد. افراد ایمن بر اساس نظریه بالبی دارای مدل کار مثبت نسبت به خود و همچنین مدل کار مثبت نسبت به دیگران هستند و در روابط احساس آرامش می‌کنند. آن‌ها معتقدند که دیگران هنگام نیاز برای پاسخ‌گویی به آنها در

دسترس هستند بنابراین به هنگام حل تعارض سعی دارند که از سبک‌هایی برای حل مشکل استفاده کنند که همکاری دوجانبه را در بر بگیرند و سعی آن‌ها این است که تعارضات زناشویی خود را به طور سازنده حل کنند. سبک دلبستگی دل مشغول نیز پیش‌بینی‌کننده سبک‌های حل تعارض ملزم شده و مسلط شده بود و با آن‌ها رابطه مثبت داشت. لوی و داویس (۱۹۸۸)، در تحقیق خود دریافتند که همسران با سبک دلبستگی دل مشغول (اضطرابی-دوسوگرا در نظام طبقه بندی دیگر) تمایل زیادی دارند که از سبک حل تعارض زناشویی مسلط استفاده کنند. هم‌چنین در تحقیق سیمون و همکاران (۱۹۹۶)، افراد دل مشغول (اضطرابی-دوسوگرا در نظام طبقه بندی دیگر) اضطراب و استرس زیادی به هنگام تعارض از خود بروز می‌دادند و عصبانیت و خشونت بیش‌تری نسبت به همسرانشان اعمال می‌کردند. این افراد، همسران و رابطه با آن‌ها را از نظر عشق، تعهد، ارتباط متقابل و حامی بودن کمتر به طور مثبت درک می‌کردند تمایل داشتند بیش‌تر به تعارضات مسلط شوند و فشار زیادی بر همسرانشان وارد کنند، که با نتایج تحقیق حاضر همسو می‌باشد. هم‌چنین یافته‌های این تحقیق با نتایج تحقیقات کارارماک و اگوزدوران (۲۰۰۸)، شی (۲۰۰۳)، میکالینسر و همکاران (۲۰۰۱)، مبنی بر اینکه افراد با سبک دلبستگی دل مشغول (اضطرابی دوسوگرا در نظام طبقه بندی دیگر) به هنگام تعارضات بین فردی سعی می‌کنند دیگران را خشنود سازند و بیشتر از سبک حل تعارض ملزم شده استفاده کنند همسو و همخوان است. همانند مطالعه حاضر که سبک دل مشغول دو سبک حل تعارض زناشویی ملزم شده و مسلط شده را پیش‌بینی کرد بن‌اری و هیرشبرگ (۲۰۰۹)، بیان کردند که سبک‌های حل تعارض الزام شده و مسلط شده آن‌گونه که انتظار می‌رود متضاد یکدیگر نیستند و ممکن است یک نوع سبک دلبستگی، همزمان پیش‌بینی‌کننده هر دو سبک مسلط شده و الزام شده باشند. علاوه بر این، یافته‌ها این پژوهش با نتایج تحقیق بن‌اری و هیرشبرگ (۲۰۰۹)، ناهمسو است چرا که در پژوهش یاد شده مشخص شد رابطه‌ی معناداری بین سبک دلبستگی دل مشغول (اضطرابی دو سوگرا در نظام طبقه بندی دیگر) و سبک حل تعارض ملزم شده و مسلط شده مشاهده نگردید و این افراد بیشتر از

سبک‌های حل تعارض یکپارچه سازی و اجتنابی برای حل مشکلات استفاده می‌کردند. بر اساس نظریه دلبستگی افراد دل مشغول دارای مدل کار منفی نسبت به خود و مدل کار مثبت نسبت به دیگران می‌باشند. این افراد آماده‌ی نشان دادن اضطراب شدید و سختگیری زیاد جهت کسب امنیت و آرامش هستند این اضطراب می‌تواند ناشی از رها شدن و یا ترک شدن توسط افراد مهم در زندگی آن‌ها باشد که با سرزنش، ترس، پرخاشگری کلامی و جسمی، فشار بر دیگران، احساس گناه و فقدان گفتگوی متقابل در تعاملات مشخص می‌شود. بنابراین این افراد به خاطر احساس ناخوشایندی که از خودشان دارند سعی می‌کنند در تعاملات آن‌ها را به نحوی جبران کنند که در پژوهش‌های مختلف مشخص شده که این افراد در حل تعارضات بیشتر از سبک‌های مسلط و یا الزام شده استفاده می‌کنند. سبک دلبستگی ترسان پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای سبک حل تعارض یکپارچه سازی و مسلط شده است و بین آن‌ها رابطه منفی وجود دارد یعنی افراد با سبک دلبستگی ترسان به ندرت از سبک مسلط شده و یکپارچه سازی برای حل تعارضات استفاده می‌کنند. نتایج این تحقیق در مورد وجود رابطه بین سبک دلبستگی ترسان و سبک حل تعارض زناشویی مسلط شده و یکپارچه سازی با نتایج تحقیق آقامحمدیان و غفاری (۲۰۰۸)، کوکران و مالین کورت (۲۰۰۰) همسو می‌باشد زیرا در این پژوهش‌های مشخص شد که افراد ترسان از سبک حل تعارض مسلط استفاده نمی‌کنند. و همچنین با نتایج تحقیقات کالینز و فینی (۲۰۰۰)، اسپچارف و بارثولومئو (۱۹۹۵)، ناهمسو می‌باشد زیرا در این تحقیقات، افراد ترسان برای حل مشکل از سبک حل تعارض الزام شده استفاده کرده‌اند. افراد ترسان نیز بر اساس نظریه‌ی دلبستگی دارای مدل کارمنفی نسبت به خود و دیگران می‌باشند بنابراین اعتماد بنفس بسیار پایینی دارند و در تعاملات بیشتر از حل تعارض صرف نظر می‌کنند بنابراین می‌توان انتظار داشت که بخاطر اضطراب و اجتناب بالایی که دارند به هنگام تعارضات، هیچ‌گونه تلاشی جهت تسلط بر تعارض از خود بروز ندهند. سبک دلبستگی نفی‌کننده نیز، سبک‌های حل تعارض اجتنابی و مصالحه را پیش‌بینی کرد. بدین صورت که سبک دلبستگی نفی‌کننده با سبک حل تعارض اجتنابی رابطه مثبت و با سبک حل

تعارض مصالحه رابطه منفی دارد. این یافته پژوهش با نتایج تحقیقات بن اری و هیرشبرگ (۲۰۰۹)، نریمان، آقامحمدیان و غفاری (۲۰۰۸)، کایرماک و دوران (۲۰۰۸)، میکالینسر و همکاران (۲۰۰۱) و کوکران و مالینکروودت (۲۰۰۰) همسو می باشد. زیرا در این پژوهش‌ها مشخص شد افراد نفی کننده بدون روابط عاطفی نزدیک با دیگران راحتند و این بسیار برایشان مهم است که احساس استقلال و خود کفایی کنند و ترجیح می دهند نه آن‌ها به دیگران و نه دیگران به آن‌ها وابسته نباشند. بنابراین از حل تعارضات اجتناب می کنند. در تبیین این مسئله نیز می توان از نظریه ی دلبستگی بزرگسالان استفاده کرد زوجین نا ایمن نفی کننده دارای مدل کار مثبت نسبت به خود و مدل کار منفی نسبت به دیگرانند. بارثلومیو، هندرسون و دوتون (۲۰۰۱) دریافتند که این افراد به طور دفاعی نظام دلبستگی شان را بی اثر می کنند و تمایلاتشان به تجربه اضطراب را، که به طور معمول به دنبال نیازهای دلبستگی ارضاء نشده می آید، کاهش دهند. افراد نفی کننده بدون روابط عاطفی نزدیک با دیگران راحتند و این بسیار برایشان مهم است که احساس استقلال و خود کفایی کنند و ترجیح می دهند نه آن‌ها به دیگران و نه دیگران به آن‌ها وابسته نباشند. بنابراین این که افراد با دلبستگی نفی کننده از سبک حل تعارض اجتناب در حل مسائل و مشکلات خود استفاده کنند دور از انتظار نیست.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش این است که با توجه به این که جمع آوری اطلاعات بر اساس ابزار خود گزارش دهی (پرسشنامه) بنا شده که این نوع فرایند جمع آوری داده ممکن است منشأ سوگیری تک بعدی در استفاده از روش‌ها قرار گیرد بنابراین می توان دریافت که تلاش‌های بیشتر روش شناسی جهت اندازه گیری سبک‌های دلبستگی و سبک‌های حل تعارض در مطالعات آینده لازم به نظر می رسد. نتایج این پژوهش را می توان در جلسات آموزشی پیش از ازدواج به منظور آگاه ساختن زوجین از عواقب ازدواج سبک‌های دلبستگی مخاطره آمیز و رابطه آنها با سبک‌های حل تعارض منفی در زندگی زناشویی استفاده کرد و همچنین تاثیر سبک‌های دلبستگی در بکارگیری سبک‌های حل تعارض مفید و موثر را به وزارت آموزش و

پرورش و سایر سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها خاطر نشان کرد تا اینکه آن وزارتخانه به عنوان متولی اصلی تعلیم و تربیت در مقاطع مختلف تحصیلی در این خصوص برنامه‌هایی تدارک ببیند.

سپاس و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند که از مسئولان محترم سازمان آموزش و پرورش و هم‌چنین دبیران گرامی و کلیه کسانی که ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند تقدیر و قدردانی نمایند.

منابع فارسی

باباپورخیرالدین، جلیل (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین شیوه‌های حل تعارض ارتباطی و سلامت روانشناختی دانشجویان. فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز، سال اول، (۴) ۴۶-۲۸.

بطلانی اصفهانی، سمیه (۱۳۸۷). تأثیر زوج درمانی هیجان‌مدار بر تغییر سبک‌های دلبستگی زوجین شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده دانشگاه اصفهان.

حقیقی، حمید (۱۳۸۹). مقایسه سبک‌های حل تعارض زناشویی بین زوجین رضایتمند، زوجین دارای تعارض و زوجین در شرف طلاق در شهر بندرعباس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه هرمزگان.

نیلفروشان، پریسا؛ احمدی، سید احمد؛ فاتحی زاده، مریم؛ عابدی، محمدرضا و قاسمی، وحید (۱۳۸۸). بررسی پایایی و ساختار عاملی پرسشنامه تجدیدنظر شده تجارب در روابط نزدیک (ECR-R). دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان.

منابع لاتین

Ben-Ari , Hishberg , I. (2009). Attachment styles , conflict perception , and adolescents, strategies of coping with inter personal conflict , *Negotiation Journal* , ABI/ IN Form global , 59-82.

- Bartholomew, K., & Horowitz, L. K. (1991). Attachment styles among young adults: a test of A four – category model. *Journal of personality and social Psychology*, 61, 226-244.
- Corcoran, n.k., & mallinckroodt, B. (2000). adult, attachment, self-efficacy , perspective taking and conflict resolution. *Journal of counseling/development*, 78, 473-48.
- Creasey, G. (2002). Associations between working models of attachment and conflict management behavior in romantic couples. *Journal of counseling Psychology*. 49, (3), 365-375.
- Creasey, G., Kershow, K. & Boston, A, (1999). conflict management with friend and romantic partners: The role of attachment and negative mood regulation expectation. *Journal of youth and Adolescence*, 28(5), 523-543.
- Creasey, G., & Hesson-McInnis, M. (2001). Affective responses, Cognitive appraisals, and conflict tactics late adolescent romantic relationship: Association with attachment orientation. *Journal of Counseling Psychology*. 48(1):85-96.
- Collins, N.L., Read, S. J. (1995). Cognitive representations of attachment: the structure and function of working models in K. Bartholemew & D. Perlman (Eds), *Advances in personal relationships*, 28, 474-483.
- Fairchild, A. J., & Finney, S. J. (2006). Investigating validity evidence for the experiences in close relationships-revised questionnaire. *Educational and Psychological Measurement*, 66(1), 116-135.
- Fraley, R. C., Waller, N. G., & Brennan, K. A. (2000). An item response theory analysis of self-report measures of adult attachment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78(2), 350-365.
- Goodwin, L. (2000). Resolving Auditor, Clint conflict, Concerning Financial statement Issues, Department of commerce University of Queensland Australia, *Available online at: http://aaahq.org/audit/midyear /01midyear/ papers /goodwin2001midyear.pdf*.
- Crittenden, P. M. (1992). Quality of attachment in the preschool years. *Development and Psychopathology*, 4, 209-241.
- Henning, M. (2003). Evaluation of Conflict Resolution Questionnaire Master Thesis, Auckland University of Technology.
- Hong Lim, B, K. (2000). Conflict resolution Styles, somatization , and Marital Satisfaction in Chinese: The Moderating Effect of Forgiveness and Willingness to Seek Professional Help. Doctoral Dissertation, Texas Tech University.
- Karairmak, ozlem & Duran, negihan. Oguz. (2008). Gender differences in attachment styles regarding conflict hanling behaviors among Turkish late adolescents, *original article*, 30:220-234.
- Kobak, R. R., & Duemmler, S. (1994). Attachment and conversation: Toward a discourse analysis of adolescent and adult security. In K. Bartholomew & D. Perlman (Eds.), *Attachment process in adulthood* (pp. 121–149). London: Jessica Kingsley.
- Kirkpatrick, L. A, & Davis, K. E. (1994). Attachment style. Gender, and relationship stability: A longitudinal analysis. *Jounal of Personslity and social Psychology*.

- Levy, M., & Davis, K. (1998). Love style and attachment style compared: Their relation to each other and to various relationship characteristics. *Journal of social and personal Relationship*, 5, 439-471.
- Mikulincer, M., & Nachson, O. (1991). Attachment style and patterns of self disclosure. *Journal of personality and social psychology*, 61, 321-331.
- Mikulincer, M., & Erev, I. (1991). Attachment style and patterns of self disclosure. *Journal of personality and Social psychology*, 30:273-291.
- Mikulincer, M., Shaver, P. R., & Pereg, D. (2003). Attachment theory and affect regulation: The dynamics, development, and cognitive consequences of attachment-related strategies. *Motivation and Emotion*, 27, 77-102..
- Papalia, D. E. (2002). A child's words: infancy through adolescence. New York: Mcgraw-Hill.
- Pistole, M. C. (1989). Attachment in adult romantic relationships: Style of conflict resolution and relationship satisfaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 6, 505-510.
- Pistole, M. C., & Arricale, F. (2003). Understanding attachment: Beliefs about conflict. *Journal of counseling and development*, 81(3), 318-328.
- Radeeki-Bush, C., Farrell, A., & Bush, J. (1993). Predicting jealousies responses: The influence of adult attachment and depression on threat appraisal, *Journal of Social and Personal Relationship*, 10, 569-588.
- Rahim, M. A., Antonioni, D., Krumov, K., & Lieva, S. (2000). Power, conflict, and effectiveness a cross cultural in the United State and Bulgaria. *European Psychologist*, 5(1), 28-33.
- Roberts, L. (2000). Fire and ice in marital communication: Hostile and distancing behaviors as predictors of marital distress. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 693-707.
- Rahim, M. A. (1983). A measure of styles of handling interpersonal conflict. *Academy of management Journal* 26(2):368- 376.
- Rahim, M.A. & T.V. Bonoma. (1979). Managing organizational conflict: A model for diagnosis and intervention. *Psychological reports*. 44(4):1323-1344.
- Shi, L. (2003). The Association between adult attachment styles and conflict resolution in romantic relationships. *The American journal of family therapy*, 31 : 143-157.
- Scharfe, E., & Bartholomew, K. (1995). Accommodation and attachment representations in young couple. *Journal of social and Personal relationship*, 9:51-64.
- Simpson, J. A., Rholes, W. S., & Phillips, D. (1996). Conflict in close relationships: An attachment perspective. *Journal of Personality and Social Psychology*, 71, 899-914..
- Sibley, C. G., Fischer, R., & Liu, J. H. (2005). Reliability and validity of the revised Experiences in Close Relationships (ECR-R) self-report measure of adult romantic attachment. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31(11), 1524-1536.
- Sibley, C. G., & Overall, N. C. (2008). The boundaries between attachment and personality: Localized versus generalized effects in daily social interaction. *Journal of Research in Personality*, 42, 1394-1407.

Wayment, H, A., & Vierthaler, J. (2002). Attachment style and bereavement reaction.
Journal of loss and Trauma,7, 129-149.

